

عنوان مقاله:

عناصر انسجام ساز متنی در منطق الطیر، بر اساس آرای هلیدی و حسن

محل انتشار:

پژوهشنامه ی متون ادبی دوره ی عراقی، دوره 5، شماره 1 (سال: 1403)

تعداد صفحات اصل مقاله: 30

نویسنده:

خدیجه بهرامی رهنما - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

نظریه انسجام مایکل هلیدی و رقیه حسن، یکی از روش های علمی، کارآمد و متقن درجهت شناسایی میزان متنیت، انسجام و یکپارچگی هر متنی است. انسجام، بررسی روابط موجود در سازه های نحوی و اجزای تشکیل دهنده یک متن است. از این رو، با روش توصیفی تحلیلی درصدد هستیم تا مسئله عناصر انسجام ساز متنی و روابط معنایی میان بندها را بر اساس رویکرد هلیدی و حسن در منطق الطیر عطار مورد بررسی قرار دهیم. از میان بندهای مختلف، به بررسی ۳۰۰۰ بند در منطق الطیر پرداخته ایم. نتایج تحقیق بیانگر آن است که در انسجام دستوری، حذف بیشترین بسامد و جای گزینی، کمترین بسامد را در منطق الطیر داشته است. فراوانی مولفه حذف، یکی از ویژگی های بلاغی عطار، درجهت جلوگیری از یک نواخت بودن متن، تلاش ذهن برای یافتن عنصر محذوف و تقویت موسیقی به شمار رفته است. در انسجام واژگانی بارایی، تکرار بیشترین بسامد و شمول معنایی، کمترین بسامد را در این منظومه دارا هستند. عطار با استفاده فراوان از مولفه تکرار درصدد تاکید و برجسته سازی اغراض ثانویه کلام خویش بوده است. در انسجام واژگانی-باهم آیی، باهم آیی متداعی، بیشترین بسامد را در این منظومه داراست. در انسجام پیوندی، ادات ربط افزایشی، بسامد بیشتری نسبت به دیگر مولفه های انسجام پیوندی دارد که این مولفه، علاوه بر آنکه حلقه اتصال میان بندهاست، گفتمان های مختلف را در متن به وجود آورده است؛ بنابراین هر سه انسجام دستوری، واژگانی و پیوندی نقش بسزایی در ایجاد متنیت، انسجام و یکپارچگی در منطق الطیر دارند.

کلمات کلیدی:

هلیدی و حسن، عطار، منطق الطیر، انسجام دستوری، انسجام واژگانی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2029442>

